

---

# روش پژوهش تطبیقی

## بارویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی

---

نوشته

دکتر علی ساعی

(عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)



۱۵۱	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۲	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۳	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۴	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۵	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۶	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۷	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۸	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۵۹	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۰	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۱	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۲	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۳	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۴	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۵	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۶	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۷	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۸	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۶۹	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵
۱۷۰	علاقت به مثابه یک رابطه علمی	۵۵

### فهرست

۹	پیش‌گفتار	۶
---	-----------	---

### فصل یکم

۱۳	در باب نسبت مسئله با تکامل دانش علمی	۶
۱۳	مسئله به مثابه یک سازه	۶
۱۶	نسبت مسئله با توسعه دانش علمی	۶

### فصل دوم

۲۱	در باب تحلیل تطبیقی کمی	۶
۲۱	چیستی تحلیل تطبیقی کمی	۶
۲۳	واحدهای تحلیل	۶
۲۴	نسبت سطح تحلیل با واحد تحلیل و واحد مشاهده	۶
۲۷	منطق تحلیل تطبیقی کمی	۶
۳۱	دلالت‌های تحلیل تطبیقی کمی	۶
۳۳	تحلیل رگرسیون	۶
۳۴	عناصر اصلی تحلیل رگرسیون	۶
۳۶	تابع رگرسیون معمولی	۶
۳۷	تابع رگرسیون استاندارد	۶
۳۸	نحوه محاسبه B	۶
۴۳	سطوح تحلیل تطبیقی کمی	۶
۴۸	تحلیل بین‌سیستمی	۶
۵۳	تحلیل کل	۶

فصل سوم

منطق تحلیل تطبیقی - تاریخی با رویکرد تحلیل بولی

۵۵	
۵۶	طرح مسئله
۵۸	چیستی تحلیل تطبیقی - تاریخی
۶۱	دلالت‌های تحلیل تطبیقی - تاریخی
۶۸	سطوح تحلیل تطبیقی - تاریخی
۷۱	الزامات تکنیکی تحلیل تطبیقی - تاریخی
۷۲	الف) تحلیل تاریخی - روایتی
۷۴	ب) تحلیل بولی
۸۳	نتیجه‌گیری

فصل چهارم

تحلیل تطبیقی موانع تثبیت دموکراسی با رویکرد تحلیل بولی

۸۷	
۸۷	طرح مسئله
۹۰	مدل نظری
۹۱	تعریف عملیاتی مفاهیم
۹۳	روش پژوهش
۹۳	تحلیل تجربی
۹۴	الف) تحلیل تفسیری - تاریخی
۱۰۰	ب) تحلیل تبیینی
۱۰۴	نتیجه‌گیری

فصل پنجم

نظریه روش‌شناسی فازی

۱۰۹	
۱۱۰	در باب ضرورت روش‌شناسی فازی
۱۱۱	معرفت‌شناسی فازی و دلالت‌های روش‌شناختی آن برای علم اجتماعی
۱۱۱	طرح مسئله
۱۱۳	استدلال معرفت‌شناسانه
۱۱۷	استدلال انتقادی در باب نسبیت‌گرایی و عقلانیت انتقادی
۱۲۰	دستگاه معرفتی فازی
۱۳۲	روش فازی در مقام داوری
۱۴۶	نتیجه‌گیری

فصل ششم

علیت فازی در علم اجتماعی

۱۴۷	
۱۴۸	طرح مسئله
۱۴۹	در باب چیستی تصور علیت
۱۵۲	علیت در دستگاه‌های معرفتی عقلانیت انتقادی و تجربه‌گرایی - پوزیتیویستی

۱۵۲	علیت به مثابه یک رابطه عقلی (منطقی)
۱۵۴	علیت به مثابه یک رابطه تجربی
۱۵۹	الزامات علیت
۱۶۰	دلالت‌های مصداقی علیت
۱۶۶	انواع ترکیب‌های علی
۱۶۸	تحلیل شرط لازم و شرط کافی با تئوری مجموعه‌های قطعی
۱۷۳	روش آزمون شرط لازم و کافی
۱۷۵	علیت فازی
۱۷۹	داوری فازی در باب فرضیه
۱۸۵	ملاک‌های ارزیابی علت لازم فازی و کافی فازی
۱۹۵	نتیجه‌گیری

### فصل هفتم

#### منطق پژوهش فازی

۱۹۷	منطق پژوهش علمی
۱۹۷	در باب ضرورت تفسیر تئوریک یافته‌های تجربی
۲۰۰	منطق فرضیه‌سازی فازی
۲۰۱	منطق عملیاتی‌سازی فازی مفاهیم
۲۰۳	منطق برساختن داده‌های فازی
۲۰۴	منطق تابع عضویت فازی
۲۰۵	اعتبار و روایی فازی
۲۰۹	منطق شاخص‌سازی فازی
۲۱۶	مسئله مقیاس لیکرت
۲۱۷	منطق تحلیل تجربی فازی
۲۱۸	تحلیل توصیفی فازی
۲۱۹	تحلیل تبیینی
۲۲۲	منطق نتیجه‌گیری
۲۲۵	

### فصل هشتم

#### پیمایش اجتماعی فازی در باب اعتماد سیاسی

۲۲۷	چکیده
۲۲۷	طرح مسئله
۲۲۸	مدل نظری
۲۳۰	چارچوب‌شناسی
۲۳۰	استدلال تجربی
۲۳۱	اعتماد سیاسی
۲۳۲	داوری در باب فرضیه
۲۳۷	نتیجه‌گیری
۲۴۰	منابع
۲۴۱	

## پیش‌گفتار

این نوشتار حاصل فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی نگارنده در درس روش تحقیق کیفی تطبیقی با رویکرد جبر بولی و فازی در مقطع دکتری است. ماهیت موضوع این کتاب از نوع روش پژوهش است اما برحسب ضرورت به بحث روش‌شناسی<sup>۱</sup> نیز پرداخته شده است. بنیان معرفتی متن حاضر، بر افق معرفتی عقلانیت انتقادی استوار است، با این حال در پرتو استدلال عقلانی نقادانه، این دستگاه معرفتی اصلاح و در ادامه با حفظ بنیان‌های معرفتی عقلانیت انتقادی، دستگاه معرفتی فازی فرموله شده است. در متن حاضر دانش علمی به مثابه یک امر فرایندی فهمیده شده است که در آن توسعه علم بر نقد سنت‌های فکری پیشین و اصلاح تدریجی آن‌ها استوار است.

تاریخ پیشرفت دانش علمی نشان می‌دهد که آغاز دانش علمی با مسئله است. در فرایند توسعه دانش علمی ابتدا یک مسئله علمی طرح می‌شود و در ادامه راه‌حل تئوریک آن مسئله ارائه می‌گردد و از طریق روش انتقادی و حجت‌آوری نظری و تجربی در باب صدق یا کذب آن راه‌حل داوری می‌شود. پایه دانش علمی مسئله و ضامن علمی بودن آن دانش، روش تجربی است. یک گزاره معرفتی ممکن است از منابع دینی یا از اسطوره‌ها یا از هنر یا حتی از دانش عامیانه وارد حوزه دانش علمی شود. گزاره‌ها می‌توانند از منابع متکثر بیایند، اما اگر این گزاره‌ها بخواهند در درون علم به رسمیت شناخته شوند، باید از عقلانیت علم تبعیت کنند. پذیرفتن یا رد هر نوع گزاره‌ای در حوزه دانش علمی، در پرتو الزامات روش علمی امکان‌پذیر است. در واقع ممکن است ارزش‌های دینی یا غیردینی در پیدایش تئوری‌ها مؤثر باشند، اما در جهان علم، داوری

۱. روش‌شناسی پایه فلسفی برای روش است.